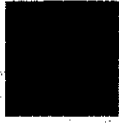


معرفی سه صفحه نقاشی شده

از یک نسخه قطعی مفقود شده

کتاب امیر ارسلان

• آیدین آغداشلو



**نقاشان مشهور پس از دهه اول و تا نیمه قرن چهاردهم هجری قمری ،
یعنی کسانی چون صنیع همایون و دیگران ،
روشی خشن تر و دقت و مهارتی کم تر را به نمایش می گذارند
که باشیوه خاص این سه نمونه تفاوت دارد .**

روشن و قطع آن ۲۱/۵×۳۴ سانتی متر و هر صفحه آن دارای ۱۸ سطر... و عاری از هرگونه تصویر و تزئین (از قبیل جدول کشی و تذهیب و نگاشتن عناوین با مرکب رنگین و نظایر آن) است.

کتاب قصه امیرارسلان، به قول مرحوم دوستعلی خان معیرالممالک «زائیده فکر نقیب الممالک و ذوق و همت فخرالدوله» بوده است و شرح پدیدآمدن این اثر، از این قرار است که شب ها چون ناصرالدین شاه به رختخواب می رفت «نقیب الممالک (نقال دربار) داستان سرایی آغاز می کرد... و بنابه تقاضای موضوع، هر جا که لازم بود اشعاری مناسب خوانده شود، نقیب الممالک به آواز دو دانگ می خواند... داستان امیرارسلان از تراوشات مخیله نقیب الممالک است... و چون شب ها... به داستان سرایی می نشست، فخرالدوله (دختر ادیب و هنردوست ناصرالدین شاه از خازن الدوله) با لوازم نوشتن پشت در نیمه باز... جا می گزید و گفته های نقیلباشی را می نوشت».

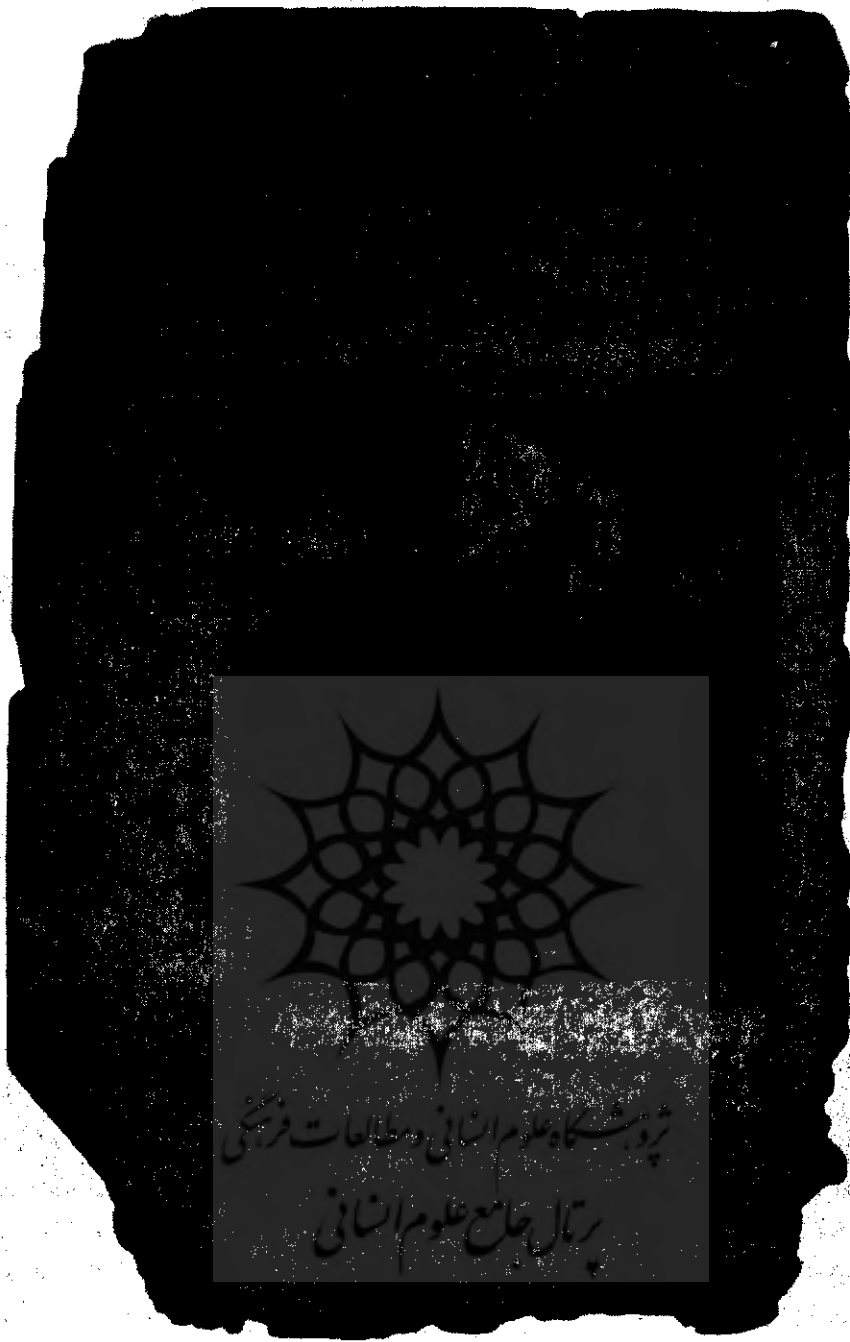
بنابراین، تاکنون هیچ نمونه ای از «نسخه خطی مصور امیرارسلان» دیده نشده است و این سه صفحه، تنها نمونه های باقی مانده از نسخه مفقود شده ای است که به احتمال قریب به یقین، در فاصله میان سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری نوشته و نقاشی شده است و از این حیث، قدیمی ترین و نفیس ترین نسخه قابل ذکر است.

در میان نقاشی هایی که سال گذشته به خاطر بررسی و تعیین اصالت برایم آورده بودند، سه صفحه مصور جالب توجه دیدم که جای آن داشت حتماً معرفی شوند، که از این فرصت برای همین کار استفاده می کنم.

این سه نقاشی، ظاهراً به نسخه مفقود شده منحصر به فردی تعلق داشته اند که به «کلیات هفت جلدی امیرارسلان نامدار» معروف است و بارها و بارها، در طول یکصد سال گذشته چاپ شده و از مشهورترین قصه های عامیانه فارسی است.

بهترین و کامل ترین نسخه تصحیح شده این نسخه، در سال هزار و سیصد و چهل و شش بخش، به تصحیح مرحوم استاد محمد جعفر محبوب منتشر شد و تا به امروز، هم چنان تنها نسخه معتبر به شمار می آید.

بر اساس مقدمه مفصلی که مرحوم محبوب برای کتاب نوشته، تنها نسخه قابل اعتنا، نسخه ای بوده که «در سال های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ هجری قمری، یعنی در حدود سی سال پس از تألیف کتاب در طهران به چاپ سنگی رسیده بود»، تا اینکه به نسخه ای خطی برخوردار می کنند که به محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین شاه قاجار تعلق داشته و تاریخ آن ظاهراً ۱۳۰۵ هجری قمری بوده است. اصل آن نسخه دارای «جلد میشن قهوه ای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی

چهاردهم هجری قمری، یعنی کسانی چون صنایع همایون و دیگران، روشی خشن‌تر و دقت و مهارتی کم‌تر را به نمایش می‌گذارند که باشیوه خاص این سه نمونه تفاوت دارد و در این‌ها، دست‌آورد هنرمندان معتبر عصر ناصری را می‌توانیم تماشا کنیم؛ چه در ترکیب‌بندی، چه در رنگ‌آمیزی و چه در

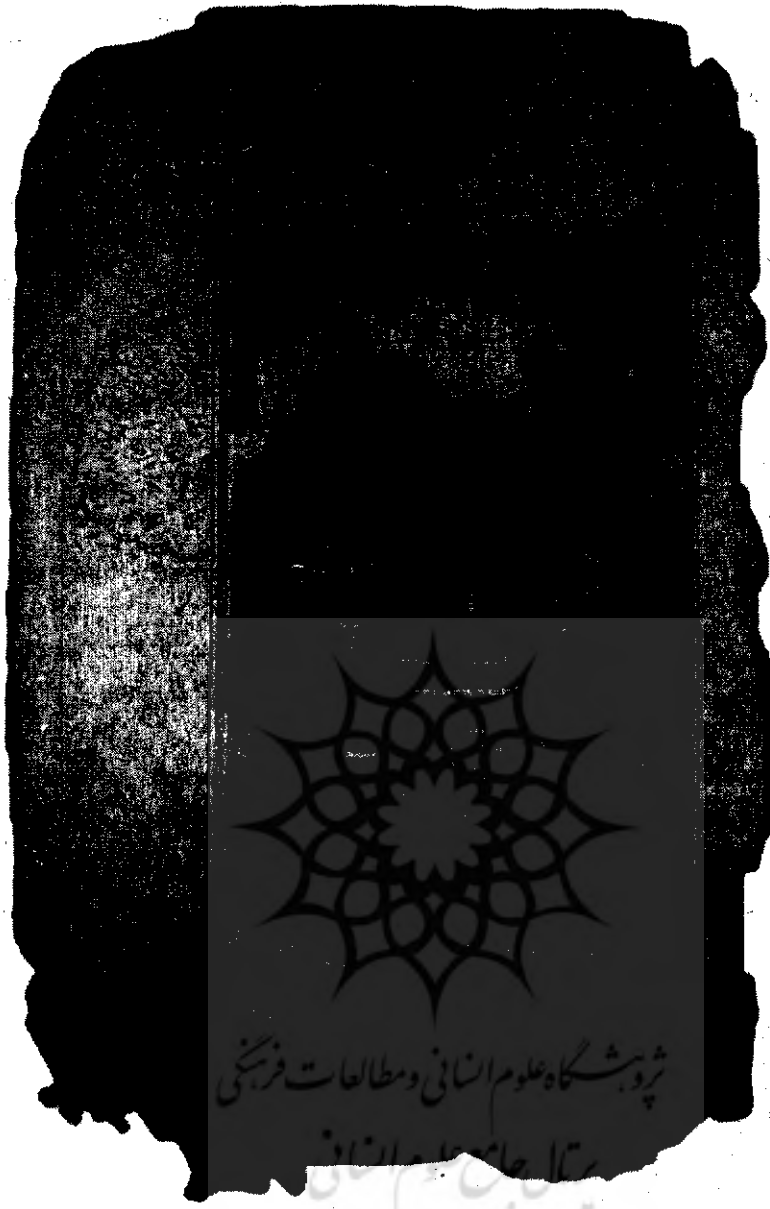
نکته‌ای که انتساب این نسخه را به عصر ناصری ممکن می‌کند نحوه اجرای نقاشی‌هاست که بیش از آن‌که به شیوه عصر مظفری نزدیک باشد، به پرداخت و اجرای سبک نقاشی‌های تاده اول قرن چهاردهم هجری قمری تعلق دارد. نقاشان مشهور پس از دهه اول و تا نیمه قرن

● این سه نقاشی ،
 ظاهراً به نسخه مفقود شده
 منحصر به فردی
 تعلق داشته اند که
 به «کلیات هفت جلدی
 امیرارسلان نامدار»
 معروف است
 و بارها و بارها ،
 در طول یکصد سال گذشته
 چاپ شده است .

پرداخت دقیق و استادانه چهره ها .
 این نمونه ها ، در تداوم سنت تصویرگری
 کتاب های خطی و مصور قرن سیزدهم شکل
 گرفته اند ؛ نقاشی ها در میانه صفحه کار شده اند
 و در بالا و پائین آن ها چند سطر نوشته آمده است .
 تعداد سطرهای هر صفحه ، چهارده سطر است و
 هر سه صفحه - و صفحات پشت آن ها -
 جدول کشی به رنگ های طلا و سیاه و لاجوردی
 شده اند . کنار هر صفحه ، توضیح نقاشی ها در
 داخل ترنجی آمده است که حاشیه تزئینی آبی و
 قرمز دارد . به عنوان نمونه مطلب داخل یکی از
 ترنج ها از این قرار است : «هو ، تصویر ملکه که
 سرش را از بدن جدا کرده اند ، بانو مادرش گریبان
 دریده ، پطرس شاه می خواهد خود را بکشد ، کنیزان
 دستش را گرفته اند» .

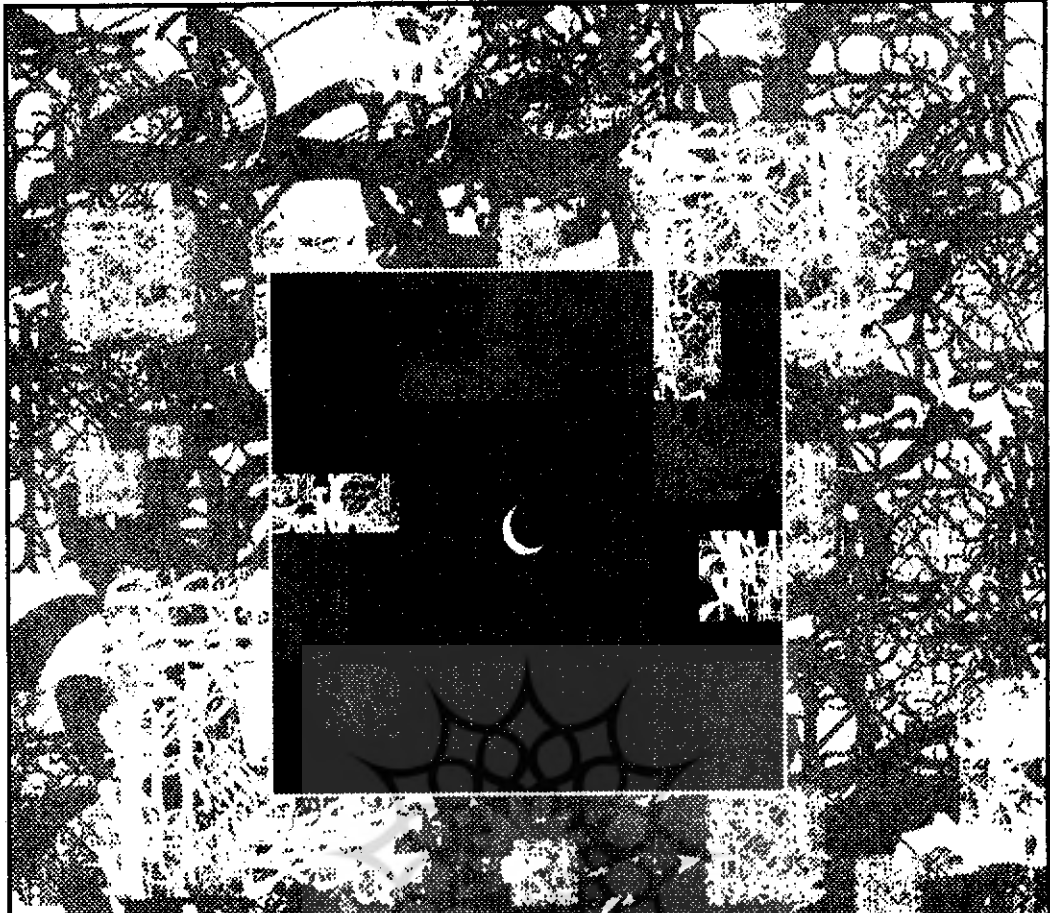
اندازه هر صفحه ۱۷×۲۵ سانتیمتر است و خط
 نسخه چندان قابل توجه نیست و به شیوه سریع
 و سهل تحریری نزدیک تر است ، اما مشخص است
 که به دست خوشنویس ادیب و قابلی نوشته
 شده و از غلطهای فاحش کاتب های بی سواد
 بری است . دو صفحه از سه صفحه مورد
 بحث وصالی و تعمیر شده و در بسیاری از
 جاها ، به سرانگشت مرطوب صدمه دیده اند .
 چهره ها و لباس ها کاملاً به شیوه
 نقاشی های قرن سیزدهم هجری قمری کار
 شده اند و در هر سه نقاشی ، در بالای صفحه ،
 پرده های آویخته شده زرد و قرمز را کار
 کرده اند . ترکیب اندام انسان ها کم تحرک
 و عمودی و خشک اند و جزئیات تزئینی
 مرسوم نقاشی های قرن سیزدهم ،
 نظیر لاله و پرده و تخت و فرش ،
 رعایت شده اند ، اما لباس ها بدون
 نقش و نگار مانده اند .

متأسفانه از این نسخه مهم ،
 جز همین سه صفحه ، چیز
 دیگری باقی نمانده است و
 شاید نظیر رفتار آن مالک
 شاهنامه قرن هفتم هجری
 قمری (دموت) - که صفحه
 های نقاشی شده را جدا کرد
 و بقیه متن را دور ریخت - در



و خلاقیت یک نقال حرفه‌ای نبوده است و در همان آغاز بازنویسی نسخه‌ای - و یا نسخه‌هایی - از روی آن نوشته شده و به صورتی ظریف و مجلل کتاب‌سازی و تصویرگری شده و احتمالاً در کتاب‌خانه‌های علاقه‌مندان و اهل نظر محفوظ بوده است و در نهایت، اهمیتی بیش از یک قصه عامیانه داشته است. کشف این نکته، می‌تواند خود سرآغاز تحقیقی تازه و نگرشی دیگر بر این قصه و تعیین جایگاه آن در زمان خود بشود.

این جا هم همین کار تکرار شده و اصل نسخه از میان رفته باشد، که اگر تمامی متن در دست می‌ماند شاید نسخه‌ای کامل و بسیار نزدیک به زمان تحریر را می‌توانستیم در اختیار داشته باشیم و از نثر خاص به شیوه نقالی قرن سیزدهم، نمونه‌ای کامل‌تر و قابل اعتمادتر، برای اهل تحقیق باقی می‌ماند. آن چه در انتها می‌شود علاوه کرد این نکته است که با یافتن این سه ورق مشخص می‌شود که قصه امیرارسلان تنها یک بازنویسی ساده از قصه جذاب و پراز تخیل



تصویری از آسمان

نمایشگاهی از
THE IMAGE OF THE HEAVEN
آثار تجسمی هنرمندان معاصر
در تکریم امیرالمؤمنین حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام

AN EXHIBITION OF
PLASTIC WORKS
BY
CONTEMPORARY ARTISTS
IN REVERENCE OF IMAM ALI
(peace be upon him)

۲۹ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۰

موزه دهرشاهان معاصر تبریز

مکان: دهرشاهان معاصر تبریز